به بهانه روز معلم واکاوی شد

سایه معیشت بر عشق معلمی

گروه اجتماعی

ادامه از صفحه اول

این عبارت چکیده‌ای از اظهارات حجت الله بنیادی، پژوهشگر تعلیم و تربیت است که به مناسبت هفته معلم در گفت‌وگو با «رسالت» به بیان مهم‌ترین مشکلات و مسائل آموزگاران پرداخته است.

آقای بنیادی برخی از کارشناسان معتقدند، اگر حال معلم خوب نباشد، حال جامعه خوب نخواهد بود، به اعتقاد شما چه مواردی در سالیان اخیر باعث شده حال معلمان ما خوب نباشد؟

معلمان به دلیل جایگاه خاص اجتماعی و گستره فعالیت‌شان، در نگرش و حال‌وهوای امروز و به‌صورت خاص‌تر در وضعیت و حال‌وهوای آینده کشور و تربیت و نگرش نسل‌های آینده نقش و سهم کلیدی دارند. لذا اگر امروز حال معلمان خوب نباشد، نتایج زیانبار آن در آینده جامعه نمایان‌تر خواهد شد، چه بسا ریشه برخی از مشکلات امروز جامعه، حال ناخوب معلمان در سالیان گذشته است که متولیان امر به سادگی از کنار آن گذشته‌اند. معلمی که سال‌ها ناعدالتی، تبعیض، ضعف در مدیریت و بی‌تدبیری را در آموزش‌وپرورش شاهد است، خواسته یا ناخواسته نمی‌تواند امید و حال خوب را به دانش‌آموزانش انتقال دهد.

به نظرم اصلی‌ترین دلیل حال ناخوب معلمان، ضعف شدید در مدیریت و برنامه‌ریزی در وزارت آموزش‌وپرورش، شعارزدگی، سیاست‌زدگی، برخی نگرش‌های ناصحیح سیاست‌گذاران و مدیران کلان وزارت آموزش‌وپرورش و کم‌توجهی و ضعف کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی در نظارت و تصویب قوانین مورد نیاز است. ناعدالتی و تبعیض شدید در نظام جبران خدمت معلمان، کم‌توجهی به ارتقاء مهارت‌های حرفه‌ای آنان، ضعف و نقص‌های اساسی در قانون رتبه‌بندی معلمان و بدتر از آن اجرای نادرست آن، مهیا نبودن شرایط و امکانات دسترسی معلمان به منابع و محتوای آموزشی متناسب، وضعیت نامناسب صندوق ذخیره فرهنگیان و استنکاف وزارت آموزش‌وپرورش از اجرای تکالیف قانونی مرتبط با آن، تأخیر در پرداخت مطالبات، سهم ناچیز معلمان از پرداخت‌های رفاهی و مناسبتی برخی از نتایج ضعف مدیریت در آموزش‌وپرورش و دلیل نارضایتی و حال ناخوش معلمان است.

نقض قانون متعهدین خدمات و کسر ناعادلانه درصد ثابتی از حقوق دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان تحت عنوان هزینه خوابگاه و غذا، دریافت غیرقانونی هزینه برگزاری دوره‌های مهارت‌آموزی از معلمان جدیدالاستخدام، برخی دیگر از اقدامات نادرست وزارت آموزش‌وپرورش است که باعث حال ناخوش معلمان شده است. نقض عدالت، بی‌اعتنایی به مفاد سند تحول و نگرش‌های نادرست مدیران آموزش‌وپرورش در اعلام نتایج معلمان نمونه سال ۱۴۰۴ به وضوح آشکار شده است. مطابق نتایج اعلام شده در دوره ابتدایی ۵ نفر، متوسطه اول ۵ نفر و متوسطه دوم ۵ نفر به‌عنوان معلمان نمونه کشوری انتخاب شده‌اند. اختصاص ۵ نفر به دو دوره ابتدایی (دوره اول ابتدایی و دوره دوم ابتدایی) نقض آشکار ساختار دوره آموزشی (۳-۳-۳-۳) در سند تحول و ناعدالتی و ظلم بزرگی است که در حق معلمان دوره اول و دوره دوم ابتدایی انجام شده است.

این روزها موضوع تنبیه بدنی برخی دانش‌آموزان در مدارس خبرساز شده، آیا این موضوع از حال بد معلمان ما حکایت دارد، حال بدی که ناشی از عدم تحقق مطالبات است؟

عدالت شیرین‌ترین و گواراترین معجونی است که می‌تواند بسیاری از مشکلات و معضلات هر جامعه‌ای را مرتفع سازد. آنچه که بیشتر از همه چیز باعث کاهش انگیزه، دل‌شکستگی و قهر معلمان و احیانا بعضی رفتارهای خشن شده، ناعدالتی و تبعیض فاحش در بسیاری زمینه‌ها است که متأسفانه با ضعف مدیریت و کم‌توجهی مسئولان وزارت آموزش‌وپرورش و نمایندگان مجلس تشدید شده است. مطابق آخرین آمار رسمی منتشرشده، معلمان در میان کارکنان دولت در ردیف‌های انتهایی جدول دریافتی سالانه قرار دارند. همین موضوع نشان می‌دهد که وزرا، دولت‌ها و مجالس متعدد با طرح شعارهای رنگانگ، طی این چند دهه نه‌تنها نتوانسته‌اند معلم را از حیث دریافتی و نظام جبران خدمات در جایگاه شایسته و ردیف‌های اول در میان کارکنان دولت قرار دهند، بلکه حتی قادر به برقراری عدالت نسبی در این زمینه نیز نشده‌اند.

مهیا کردن شرایط برای داشتن مسکن متناسب با نیاز برای هر خانواده ایرانی یکی از تکالیف دولت در قانون اساسی است و بدیهی است که داشتن مسکن معمولی یکی از الزامات اساسی یک زندگی با آرامش برای معلمان است. بررسی وضعیت سکونت معلمان نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از آنان نه‌تنها مسکن ملکی مناسب ندارند، بلکه با حقوق و مزایای دریافتی و نرخ‌های مسکن حتی تا پایان خدمت ۳۰ ساله نیز قادر به خرید مسکن نیستند. بدتر اینکه برخی از آن‌ها برای تأمین پول ودیعه و پرداخت اجاره نیز با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند. افسوس فراوان اینجاست که در کنار نیاز شدید معلمان به مسکن مناسب، صندوق ذخیره فرهنگیان در نابسامانی و ضعف مدیریت، اولویت خود را به فعالیت‌هایی همانند ماشین‌سازی و پتروشیمی اختصاص داده. این در حالی است که اگر وزرای آموزش‌وپرورش با استفاده از مشارکت مؤثر معلمان سرمایه‌های صندوق را در ساخت مسکن برای معلمان سوق می‌دادند، هم یک سرمایه‌گذاری پرسود برای اعضای صندوق بود و هم امکان و تسهیلات اختصاصی برای تأمین مسکن معلمان ایجاد می‌شد.

در مورد بیمه و درمان فرهنگیان نیز وضعیت مشابه است. در حالی که بسیاری از دستگاه‌های دولتی دارای بیمارستان اختصاصی یا بیمه‌های بسیار خوبی هستند، فرهنگیان همچنان درگیر تغییر شرکت‌های بیمه‌ای و چگونگی بارگذاری و ارسال مدارک برای دریافت با تأخیر بخشی از هزینه‌های درمانی هستند.

امکانات سفر، وام، سبد کالا و هدیه‌های مناسبتی‌ای که به کارکنان سایر دستگاه‌ها داده می‌شود، قابل مقایسه با معلمان نیست. در نوروز امسال نرخ اجاره یک کلاس درس برای یک معلم، یک میلیون و ۴۵۰ هزار تومان توسط آموزش‌وپرورش تعیین شد. تصور کنید که معلم بخواهد چنین اتاقی را برای سکونت اجاره کند، در چنین حالتی باید ماهانه ۱۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برای اجاره یک تک اتاق با امکانات حداقلی بپردازد. با چنین نرخ‌هایی، معلمی که کل دریافتی ماهانه‌اش کمتر از ۲۰ میلیون تومان است، چگونه می‌تواند یک زندگی حداقلی و با آرامش و در شأن یک معلم شایسته برای خانواده‌اش مهیا کند؟

قطعا معلمی که در تأمین لوازم و مخارج اساسی و اولیه زندگی مشکل دارد و در عین حال تبعیض و ناعدالتی‌های آشکار و پنهان را هم شاهد است، خواه ناخواه تاب و تحملش کاهش می‌یابد. در مواجهه با ناملایمات نمی‌تواند با متانت و صبر برخورد کند و در بعضی موارد نیز متأسفانه شاهد برخی رفتارهای خشن و دور از شأن معلمی هستیم. باز هم جای تأسف است که با وجود افزایش بروز چنین رفتارهایی، هیچ یک از مراجع مسئول اعم از شورای عالی آموزش‌وپرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی و کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس توجه جدی به موضوع و دلایل آن نداشته و برای ممانعت از آن نیز اقدامی نکرده‌اند. به این نکته نیز باید توجه کرد که برخی از افرادی که در چند سال اخیر در آموزش‌وپرورش استخدام شده‌اند، شایستگی‌های حداقلی را دارا نیستند. به نظر می‌رسد بخشی از مسائل مرتبط با تنبیه بدنی و اتفاقات تأسف‌بار دیگر ناشی از این موضوع است که ریشه اصلی آن به ضعف در مدیریت آموزش‌وپرورش بازمی‌گردد.

با توجه به افزایش تنبیه بدنی دانش‌آموزان از سوی معلمان، پرسش‌های دیگری نیز به ذهن خطور می‌کند، اینکه چگونه صلاحیت معلمان مورد تأیید قرار می‌گیرد؟ چگونه بر عملکرد آن‌ها نظارت می‌شود و چگونه از سلامت روانی و رفتاری افرادی که مسئول تعلیم و تربیت کودکان هستند، اطمینان حاصل می‌شود؟

یکی از رویکردهای اساسی در مدیریت منابع انسانی، این است که هیچ آموزشی ضعف گزینش را جبران نمی‌کند. آموزش‌وپرورش از دهه ۷۰ به بعد به دلیل رویکردهای نادرست نتوانسته معلمان مورد نیاز را به‌درستی تربیت کند و هرساله در آستانه سال تحصیلی نیروهای مختلفی را با عنوان حق‌التدریس، قراردادی، آموزشیار نهضت، معلم طرح مهرآفرین و معلم طرح امین و سربازمعلم بدون طی مراحل درست گزینش، تناسب تحصیلات، سن و شایستگی‌های معلمی به کلاس درس فرستاده و بعد از چند سال با مصوبه مجلس استخدام کرده است. در چنین استخدام‌هایی که تعداد آن‌ها نیز بسیار زیاد است، تنها شرط استخدام داشتن سابقه تدریس و همکاری تعیین شد و بسیاری از شایستگی‌های اولیه معلمی سنجیده نشدند. افراد زیادی بدون داشتن شایستگی‌های پایه و الزامی استخدام رسمی شدند. جالب این است که در قانون رتبه‌بندی معلمان که هدف آن ارتقاء شایستگی‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای معلمان است، به دلیل ناتوانی آموزش‌وپرورش در اجرای آن، نتوانسته معلمان دارای ضعف مهارت و شایستگی را ملزم به گذراندن دوره‌های آموزشی کند. با وجود تذکرات متعدد نهادهای نظارتی مبنی بر اصلاح آیین‌نامه اجرایی قانون رتبه‌بندی و تعداد بسیار بالای اعتراضات معلمان و تضییع حق بسیاری از معلمان، هنوز آموزش‌وپرورش آیین نامه را اصلاح نکرده و راهکاری که می‌توانست تا حدی شرایط ارتقاء شایستگی‌های معلمان را فراهم کند انجام نشده و همان فرآیند نادرست قبلی استمرار دارد. قانون رتبه‌بندی معلمان، راهکاری است که به معلمان شایسته و با انگیزه امتیاز و ارتقاء می‌دهد، معلمان ضعیف را ملزم به ارتقاء مهارت و دانش می‌نماید و معلمان ناتوان و فاقد شایستگی‌های لازم را از معلمی کنار می‌گذارد. اما جای تأسف است که اجرای غلط این قانون و استمرار همان روش غلط، هدف و ظرفیت این قانون را هدر داده و صرفا آن را به یک افزایش حقوق تبدیل کرده است.

اتفاقا بسیاری از کارشناسان با شما هم نظرند و معتقدند که رتبه‌بندی معلمان بسیار ضعیف اجرا شده و به دلیل اجرای ناصحیح، طرحی که می‌توانست باعث خوشحالی معلمان شود، به عاملی برای نارضایتی آن‌ها تبدیل شده، تحلیل و دیدگاه شما در این باره چیست و اساسا چرا موضوع رتبه‌بندی تا به این حد حاشیه‌ساز شد؟

متأسفانه قانون رتبه‌بندی نه‌تنها بد اجرا نشد، بلکه بد هم تدوین و تصویب شد. اصلی‌ترین ضعف و نقص قانون رتبه‌بندی، بی‌توجهی آن به برقراری عدالت برون سازمانی در نظام پرداخت معلمان است. نبود عدالت در نظام پرداخت و تبعیض شدید میان معلمان با سایر کارکنان دولت سبب شد قانون رتبه‌بندی نتواند شرایط ارتقاء مهارت‌های حرفه‌ای و انگیزه معلمان را فراهم کند. از طرفی شاخص‌ها، مراجع ارزیابی، انتخاب ارزیابان و فرآیند ارزیابی در حدی نادرست تعیین شدند که رتبه‌بندی را کاملا از اهداف اصلی آن منحرف کرد و باعث اعتراض بیشتر مشمولان شد. جای تأسف بیشتر آنجا است که با وجود اعتراضات حدود ۷۰ درصد از مشمولان به آیین نامه و ضوابط اجرایی قانون و رفتن و آمدن سه وزیر هنوز آیین نامه اجرایی قانون اصلاح نشده است.

ضعف در دانش تخصصی و نگرش سطحی و ساده‌انگارانه مدیران به موضوع مدیریت منابع انسانی در آموزش‌وپرورش سبب شده است، نه‌تنها قانون رتبه‌بندی به بدترین شکل اجرا شود، بلکه این عملکرد نادرست را در استخدام‌ها و به‌طور مشخص‌تر در صدور مجوزهای استخدام محرمانه هم شاهد هستیم.

به اعتقاد شما معلمان و اساسا وزارت آموزش‌وپرورش در اولویت دولت‌ها بوده‌اند، آیا به اندازه شعارها و وعده‌هایی که مطرح شده، مسئله معلم و نظام تعلیم و تربیت در مرکز توجه بوده است؟

به نظرم خیر، آموزش‌وپرورش در هیچ یک از دولت‌ها به معنای واقعی در اولویت نبوده است. حتی در دولت چهاردهم که رئیس جمهور به صورت استثنایی و بی‌سابقه به آموزش‌وپرورش توجه دارند و شخصا جلسات متعددی برای حل مسائل آموزش‌وپرورش برگزار کرده‌اند، باز هم این مجموعه اولویت و جایگاه خود را نیافته است. بنابراین یکی از شاخص‌های کلیدی در اولویت بودن آموزش‌وپرورش و معلمان این است که سخن دقیق و درست و عدالت‌محور آقای رئیس جمهور که «همه باید بر سر یک سفره بنشینیم» تحقق یابد. سهم ناچیز معلمان در مقایسه با تسهیلات و سبد کالایی که کارکنان بیشتر دستگاه‌های دولتی در رمضان و نوروز ۱۴۰۴ دریافت کرده‌اند نشان می‌دهد هنوز آموزش‌وپرورش در تأمین منابع و تخصیص امکانات در اولویت و جایگاه متناسب قرار ندارد و بر خلاف تأکید و تصریح چندباره رئیس‌جمهور، سفره نوروز امسال معلمان همچنان با سفره نوروز بیشتر کارکنان دولت تفاوت‌های اساسی داشت!

نکته اساسی و ضعف اینجاست که بیشتر وزرا و مدیران آموزش‌وپرورش در تعامل با سازمان برنامه‌وبودجه و سازمان اداری و استخدامی توانایی و قدرت اقناع و استدلال لازم برای تأمین اعتبارات و اصلاح نظام جبران خدمات را نداشته و نتوانسته‌اند آموزش‌وپرورش را در جایگاه شایسته آن قرار دهند.

اگر بخواهید مقایسه‌ای با سایر کشورهای جهان داشته باشید، شأن و منزلت معلمان ما به نسبت معلمان سایر کشورها در چه جایگاهی قرار دارد؟

برای تعیین شأن و منزلت معلمان شاخص‌های متعددی تعریف شده است. یکی از مهم‌ترین این شاخص‌ها میزان حقوق دریافتی آن‌ها است. دریافتی معلمان ایران نسبت به بسیاری از کشورها در سطح پایینی قرار دارد. میانگین حقوق معلمان در ایران بسته به سابقه، تحصیلات و رتبه (با نرخ تبدیل دلار در سال ۲۰۲۵) ماهانه حدود ۲۰۰ تا ۴۰۰ دلار در ماه است. در آلمان ماهانه بین ۳۵۰۰ تا ۵۰۰۰ دلار، در ایالات متحده بین ۳۰۰۰ تا ۵۵۰۰ دلار، ژاپن حدود ۴۰۰۰ دلار، عربستان ۱۸۰۰ تا ۲۲۰۰ دلار و ترکیه بین ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ دلار است. به این نکته نیز باید توجه داشت که در بیشتر کشورها برای استفاده معلمان از برخی امکانات، تخفیف‌ها و تسهیلات ویژه‌ای در نظر گرفته می‌شود. نکته مهم دیگر این است که در بیشتر کشورها مسئولیت نظام آموزش عالی و آموزش‌وپرورش بر عهده یک وزارتخانه است و تبعیض و بی‌عدالتی فاحشی که میان دریافتی یک عضو هیئت علمی دانشگاه و یک معلم در ایران وجود دارد، در این کشورها دیده نمی‌شود.

چرا همواره وزارت آموزش‌وپرورش جزء پرحاشیه‌ترین وزارتخانه‌های کشور بوده و در یک دهه اخیر از مسئله مطالبات معلمان که یک موضوع رفاهی است و با شأن و منزلت آنان گره خورده، سوءبرداشت شده، در حالی که معلمان انتظار زیادی ندارند و حق و حقوق واقعی خودشان را مطالبه می‌کنند.

به نظرم یکی از دلایل اساسی ضعف در مدیریت و پرحاشیه بودن آموزش‌وپرورش وجود یک میلیون مدیر بالقوه است، ولی به دلیل ضعف قوانین و مقررات این ظرفیت و فرصت بزرگ به یک تهدید تبدیل شده است. در جامعه حدود یک میلیون نفری معلمان، تنوع رشته‌های تحصیلی بسیار گسترده است. در آموزش‌وپرورش افرادی با تحصیلات مختلف همانند رشته دامپزشکی و فیزیک هسته‌ای، نجوم و جغرافی، ریاضی و آمار، فلسفه و تاریخ علم، الهیات و تاریخ اسلام، مدیریت آموزشی و برنامه‌ریزی درسی و... به‌عنوان معلم استخدام شده‌اند. بسیاری از این افراد از دانش پایه مدیریت بی‌بهره و فاقد تجربه مدیریت هستند. اما به علت ضعف مقررات و تقدم روابط سیاسی، فعالیت‌های انتخاباتی، قوم و خویشی و دوستی‌ها این افراد در جایگاه مدیریت‌های حرفه‌ای و تخصصی از سطح منطقه تا ستاد قرار می‌گیرند. این ضعف مقررات و غلبه سلایق شخصی آنقدر شدید است که شاهد انتصاب افرادی با تحصیلات غیرمرتبط و بدون تجربه موفق در مدیریت‌های حرفه‌ای و کاملا تخصصی ستاد آموزش‌وپرورش هستیم. مدیرانی که این‌گونه منصوب می‌شوند، نه‌تنها توان تحول و اصلاح امور را ندارند، بلکه قادر به انجام درست وظایف روزمره نیستند و بدیهی است در چنین مدیریتی، مسائل و اولویت‌ها به‌درستی تشخیص داده نمی‌شود، برنامه‌ریزی بی‌معنی و کار زائد محسوب می‌شود و تمرکز بر سخنرانی و شعارگرایی اولویت می‌یابد. چنین مدیرانی مأموریت و وظایف خود را به‌درستی نمی‌شناسند و تمرکز و اولویت آن‌ها جلب رضایت مافوقان است. اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود، مدیرانی که به واسطه روابط سیاسی، دوستی و خویشاوندی و بدون احراز شایستگی‌های حداقلی منصوب شده‌اند، با برگزاری انتخابات جدید اعم از ریاست جمهوری یا مجلس و یا تغییر وزیر یا مدیرکل در فهرست عزل قرار می‌گیرند و دوباره این چرخه از صفر شکل می‌گیرد. گروه دیگری از معلمان که در پیروزی فرد منتخب نقش داشته‌اند، در فهرست انتصابات قرار می‌گیرند و مدیران جدید بیشتر طرح‌ها و برنامه‌های مدیران قبلی را کنار گذاشته و این چرخه هرچند سال یکبار در تمام سطوح آموزش‌وپرورش تکرار می‌شود! طرح‌ها، اسناد مختلف و ستادها و قرارگاه‌هایی که خروجی آن‌ها بسیار ناچیز است، مصداق اختراع چندباره چرخ در آموزش‌وپرورش است. بنابراین دانش و تجارب مدیریتی در آموزش‌وپرورش یک سیر خطی با شیب صعودی بسیار کم دارد که در برخی دوره‌های زمانی نیز شیب آن نزولی شده است. به همین دلیل بیشتر مسائل آموزش‌وپرورش در طی سه دهه اخیر تقریبا ثابت هستند و هر وزیری هم ادعا کرده که برای حل آن‌ها برنامه دارد، ولی به دلیل اتخاذ رویکردهای نادرست مسائل نه‌تنها حل نشده‌اند بلکه پیچیده‌تر و زیانبارتر هم شده‌اند. نمونه‌های این چنینی هم کم نیستند؛ از وضعیت استخدام تا آموزش معلمان گرفته و از محتوای آموزشی کهنه و ناکارآمد تا کمبود فضا و مدارس فرسوده، همگی مشکلات چند ده ساله آموزش‌وپرورش هستند.

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۲۰۰۳۰۰۰۴۱۹-۱۴۰۴/۲/۹ به کلاسمان ۱۴۰۳/۵۶۹ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خاش تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای نعیم هاشم زهی فرزند رسول به ش.ش ۱۷۵ کدملی ۳۷۱۹۷۷۲۵۵۱ صادره از خاش در ششدانگ یکباب منزل قسمتی از پلاک ۱۹۴۲-اصلی به مساحت ۳۶۵ مترمربع واقع در قطعه یک از بخش ۴ بلوچستان شهرخاش اراضی جماآرامش خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای جماآرامش محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۱۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۸ م الف ۲۲
مجید جمشیدی فر-رئیس ثبت اسناد واملاک

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای محمدحسین سعیدی کهن ملک فرزند جان محمد به استناد دو برگ استشهاد محلی که به امضاء شهود و به گواهی دفتر اسناد رسمی شماره ۶۹ سوران رسیده مدعی است که سند مالکیت ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۴۰۰ مترمربع پلاک ۱۳۹۶ فرعی از ۷-اصلی واقع در شهر سوران محله کهن ملک خیابان شهید باران زهی جزء قطعه یک از بخش ۸ بلوچستان شهرستان سیب و سوران که سند آن ذیل ثبت شماره ۱۱۵۰ جلد ۱۰ صفحه ۳۲۲ دفتر املاک بنام آقای محمدحسین سعیدی کهن ملک فرزند جان محمد صادر و تسلیم گردیده که به علت جابجایی اثاث منزل مفقود گردیده است. درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده لذا مراتب باستناد تبصره یک ماده ۱۲۰ آئین نامه ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود یا انجام معامله نسبت به ملک مرقوم می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف ۱۰ روز اعتراض خود را به ضمیمه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره اعلام و رسید دریافت نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد والا پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

م الف ۱۶
ادریس جهاندیده -سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان سیب و سوران

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای لعل بخش صانعی فرزند مراد به استناد دو برگ استشهاد محلی که به امضاء شهود و به گواهی دفتر اسناد رسمی شماره ۱۱۹ سراوان رسیده مدعی است که سند مالکیت ششدانگ عرصه یکباب منزل پلاک ۱۰۸۱ فرعی از ۲۳۸۷-اصلی واقع در کوچه منشعبه از خیابان نبوت جزء قطعه یک از بخش ۶ بلوچستان شهرستان سراوان که سند مالکیت آن ذیل ثبت ۲۰۳۸ صفحه ۱۰۳-جلد ۱۲ املاک به نام لعل بخش صانعی فرزند مراد صادر و تسلیم گردیده است به علت جابجایی اثاثیه منزل مفقود گردیده است. درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده لذا مراتب باستناد تبصره یک ماده ۱۲۰ آئین نامه ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود یا انجام معامله نسبت به ملک مرقوم می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف ۱۰ روز اعتراض خود را به ضمیمه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره اعلام و رسید دریافت نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد والا پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

م الف ۱۰۵
عبدالحمید سپاهی ملا- رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان سراوان

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای نورعلی سبحانی کیا باستناد دو برگ استشهاد محلی که به امضاء شهود و به گواهی دفتر اسناد رسمی شماره ۲۶ زابل رسیده مدعی است که سند مالکیت به شماره چاپی ۷۹۵۱۶۶ سری ب سال ۰۱ ششدانگ یکباب منزل پلاک ۲۴۲۵۲ فرعی از ۱- اصلی واقع در بخش دو سیستان به علت جابجایی از بین رفته درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده لذا مراتب به استناد تبصره یک ماده ۱۲۰ آئین نامه ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود یا انجام معامله نسبت به ملک مرقوم می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف ۱۰ روز اعتراض خود را به ضمیمه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره اعلام و رسید دریافت نمایند تا مورد رسیدگی قرار گیرد والا پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۲/۱۳
م الف ۸۶
رضا ده مرده- رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان زابل

آگهی دعوت افراز

بدینوسیله اعلام می دارد آقای بهنام پردستان فرزند علی مالک مشاعی قسمتی از پلاک ۶۹۶ فرعی از ۷۰۷-اصلی واقع در شهر محمدان خیابان فردوسی جزء قطعه یک از بخش ۵ بلوچستان شهرستان ایرانشهر طبق درخواست شماره ۱۰۳/۱۶۵۷ مورخ ۱۴۰۴/۲/۱۱ تقاضای افراز سهمی خود را از پلاک مرقوم باستناد قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب سال ۱۳۵۷ را از این اداره نموده و در ذیل تقاضای افراز خویش اعلام داشته که به دیگر مالکین مشاعی دسترسی ندارد و نشانی آنها مشخص نمی باشد لذا مراتب طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء آگهی می گردد و از سایر مالکین مشاع و کسانی که حق و حقوقی در این ملک دارند یا تمایل به افراز دارند دعوت به عمل می آید تا در روز شنبه ساعت ۷ صبح مورخه ۱۴۰۴/۲/۲۰ آن روز در این اداره یا در محل ملک مزبور حضور بهم رسانند و با حضور و نظارت آنها عمل افراز برابر مقررات صورت پذیرد یادآوری می گردد عدم حضور مانع از انجام عملیات افراز نخواهد شد.

اردشیر محمودی
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ایرانشهر

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم جمال خاتون محمدی به شماره ملی ۳۵۹۰۷۳۴۸۴۱ باستناد دو برگ استشهاد محلی که به امضاء شهود و به گواهی دفتر اسناد رسمی شماره ۷۷- بمپور رسیده مدعی است که سند مالکیت به شماره چاپی ۰۳۳۹۸۴- ششدانگ یک قطعه زمین دارای پلاک ۱۰۷۴ فرعی از ۷۰۷ اصلی واقع در شهر محمدان جزء قطعه یک ایرانشهر از بخش ۵ بلوچستان سند مالکیت ذیل ثبت ۲۲۳۸۱ صفحه ۱۸۷ دفتر جلد ۱۳۷ بنام خانم جمال خاتون محمدی صادر گردیده و سند مالکیت آن به علت اسباب کشی منزل مفقود گردیده و مالک درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده لذا مراتب به استناد تبصره یک ماده ۱۲۰ آیین نامه ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود یا انجام معامله نسبت به ملک مرقوم می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف ۱۰ روز اعتراض خود را به ضمیمه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره اعلام و رسید دریافت نمایند تا مورد رسیدگی قرار گیرد والا پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه شود نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

م الف ۹۷/۱۴۰۴
اردشیر محمودی
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ایرانشهر

آگهی دعوت افراز پلاک ۸۶۷-اصلی

بدینوسیله اعلام می دارد آقای مهران کردی کوشه احدی از مالکین مشاعی پلاک ۰ فرعی از ۸۶۷-اصلی واقع در بخش ۵ بلوچستان شهرستان ایرانشهر طبق درخواست شماره ۱۰۳/۱۵۰۶ مورخ ۱۴۰۳/۲/۸ تقاضای افراز سهمی خود را از پلاک مرقوم باستناد قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب سال ۱۳۵۷ را از این اداره نموده و در ذیل تقاضای افراز خویش اعلام داشته که به دیگر مالکین مشاع دسترسی ندارد و نشانی آنها مشخص نمی باشد لذا مراتب طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء آگهی می گردد و از سایر مالکین مشاع و کسانی که حق و حقوقی در این ملک دارند یا تمایل به افراز دارند دعوت به عمل می آید تا در ساعت ۷/۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۲/۲۷ آن روز در این اداره یا در محل ملک مزبور حضور بهم رسانند و با حضور و نظارت آنها عمل افراز برابر مقررات صورت پذیرد یادآور می گردد عدم حضور مالکین مشاع مانع از انجام عملیات افراز نخواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۲/۱۳
م الف ۹۵/۱۴۰۴
اردشیر محمودی
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ایرانشهر

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۲۰۰۴۰۰۰۴۸۲ مورخ ۱۴۰۴/۲/۱ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ایرانشهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم محمدانور نظرزائی فرزند لال محمد به ش.ش ۲۵۶ صادره از در یکباب خانه به مساحت ۵۲۶/۱۷ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۴۹ فرعی از ۳۹۴-اصلی قطعه یک واقع در شهر ایرانشهر مکران ۱۴ بخش ۵ بلوچستان خریداری از مالک رسمی آقای شهباز اژنگ محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۱۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۸
اردشیر محمودی
رئیس ثبت اسناد و املاک ایرانشهر

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای صادره شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۵۰۱۲۹۴۵ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۸ موضوع پرونده تشکیلی شماره ۱۴۰۳۱۱۴۴۲۶۰۰۵۰۰۰۹۱۲ سال ۱۴۰۳ در هیات اول قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰- مجلس شورای اسلامی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی شهرستان نهاوند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم فاطمه براتی به ش.ش ۶۷۶۸ و به ش.م ۰۸۸۸۲۵۵۶۹۱- صادره از نهاوند فرزند علی محمد در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۴۲۳۰/۸۶ مترمربع تحت قسمتی از پلاک فرعی از پلاک ۹-اصلی واقع در بخش سه حوزه ثبتی شهرستان نهاوند واقع در اراضی روستای دهبوره که حقوق ارتفاقی ندارد و مالکیت مالک براساس مبایعه نامه عادی از مالک رسمی آقای محمدتقی مرادبیگی محرز گردیده است. لذا رای مذکور به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۱۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۹ م الف ۲۷۳۱
حمیدرضا حجتی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نهاوند

آگهی موضوع ماده ۸ و ماده ۱۰ آیین نامه اجرایی قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرصه مسکن

در اجرای ماده ۸ و ماده ۱۰ آیین نامه اجرایی قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و مسکن به پرونده افرادی که از طریق بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهرستان ماهنشان جهت صدور سند مالکیت به این اداره ارسال گردیده و فاقد مدارک دال بر مالکیت ثبتی می باشند و تصرفات مفروزی و مالکیت آنها به موجب آراء صادره هیات حل اختلاف موضوع ماده ۶ آیین نامه اجرایی فوق الذکر تائید گردید جهت اطلاع به مالکین و زارعین صاحب نسق و افراد ذینفع در شهر ماهنشان پلاک ثبتی ۹۰- اصلی بخش ۶ زنجان به شرح ذیل اعلام می گردد تا چنانچه اعتراضی داشته باشند ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را به صورت مکتوب به اداره ثبت تسلیم نمایند و ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی درخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم نمایند رسیدگی به اینگونه اعتراضات در دادگاه خارج از نوبت انجام خواهد شد بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در موعد مقرر و یا تحویل گواهی عدم تقدیم دادخواست به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ماهنشان عملیات ثبتی با رعایت مقررات تعقیب خواهد شد.

۱-آقای علی آژند به ش.ش ۲۲۱۶ و ش.م ۵۶۰۹۸۴۰۱۸۱ ششدانگ یکباب مغازه به پلاک ثبتی ۴۴۲۸ فرعی از ۹۰ اصلی بخش شش زنجان واقع در شهر ماهنشان به مساحت ۴۱/۳۴ مترمربع

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۱۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۸
بهمن محمدی
معاون اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ماهنشان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۵۱۸۱-۱۴۰۳/۱۱/۲۷ هیات پنجم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای یوسف رزاقی فرزند علی اکبر به ش.ش ۴۴ صادره از فامنین در ششدانگ یکباب خانه بانضمام چهارباب مغازه به مساحت ۱۹۱/۳۶ مترمربع پلاک ۱۲۳۵۱ فرعی از ۱۳۹ اصلی واقع در بخش ۴ حوزه ثبت ملک بهار خریداری از مالک رسمی آقای قربانعلی جمشیدی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود و در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضاء مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۱۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۸ م الف ۱۹
حسین مرادی- رئیس ثبت اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۵۱۷۸-۱۴۰۳/۱۱/۲۷ هیات پنجم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای جمشید عباسی فرزند حسن به ش.ش ۸۲۴ صادره از ۴/۵ دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دیم به مساحت ۹۱۰۶/۱۷ مترمربع پلاک ۲۷۵ فرعی از ۱۶۰ اصلی واقع در بخش ۴ حوزه ثبت ملک بهار اراضی خوشاب علیا خریداری از مالک رسمی آقای اکبر نیازی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود و در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضاء مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۱۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۸
م الف ۱۲
حسین مرادی- رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

هیات حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان پیرانشهر بشرح آرای صادره هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک پیرانشهر تصرفات مفروزی و مالکانه متقاضیان مشروحه ذیل واقع در پلاک ۱۰۱ اصلی بخش ۲۱- مهاباد روستای گردباسک را تائید و رای به صدور سند مالکیت آنها صادر نموده که مراتب بشرح ذیل جهت اطلاع عموم آگهی می گردد.

ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۰۰۲/۵ تحت پلاک ۱۹۳ فرعی از ۱۰۱ اصلی روستای کردباسک مورد تقاضای خانم معصومه افتخاری فر به ش.م ۲۸۹۹۱۰۷۳۷۲ برابر مدارک موجود در پرونده

بنابه رای صادره در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه اجرایی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع عموم و مالکین مشاعی و سایر صاحبان حقوق آگهی می شود لذا در صورتی که اشخاص به آراء صادره اعتراضی داشته باشند باید از تاریخ انتشار نوبت اول و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک پیرانشهر تسلیم و رسید اخذ نماید. معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت تحویل نماید و در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه خواهد بود. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی مشعر بر تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی را ارائه نکند. اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۱۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۸
حبیب الهامی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک پیرانشهر

آگهی تحدید حدود اختصاصی حوزه ثبتی شهرچمستان

پیرو آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و به استناد تبصره ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون اخیرالذکر تحدید حدود پلاک ۲۲۰ فرعی از ۱۳ اصلی واقع در قریه مرزنده بخش ۱۱ بنام منیر طباخ شعبانی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۴۰/۸۸ مترمربع طبق رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۰۰۱۳۰۳۷۷۹۴ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۶ هیات قانون تعیین تکلیف در ساعت ۱۰ صبح یکشنبه مورخه ۱۴۰۴/۳/۱۹ در محل وقوع ملک به عمل خواهد آمد. لذا از متقاضی و مالکین املاک مجاور و صاحبان حقوق ارتفاقی دعوت می شود در وقت مقرر در محل وقوع ملک حضور بهم رسانند بدیهی است در صورت عدم حضور متقاضی و یا نماینده قانونی آنان طبق ماده ۱۵ قانون ثبت ملک مورد تقاضا با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد معترضین می توانند به استناد ماده ۲۰ قانون ثبت و مواد ۷۴ و ۸۶ آیین نامه قانون ثبت ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم و ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به واحد ثبتی مبادرت به تقدیم دادخواست به مرجع قضائی نمایند. در غیر این صورت با ارائه گواهی عدم تقدیم دادخواست توسط متقاضی و یا نماینده قانونی وی و بدون توجه به اعتراض واصله عملیات ثبتی با رعایت مقررات ادامه می یابد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۲/۱۳ م الف ۱۹۲۳۰۱۷
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرچمستان
عین اله تیموری